ادبیات فارسی در مجارستان

کیهان فرهنگی

اواجری میاس

گفتگو با دکتر اواجری میاس‏ ادبیات فارسی‏ در مجارستان

اشاره:

زبان فارسی به عنوان یک زبان زنده و پویا که‏ فرهنگی چند هزار ساله را در خود جای داده،در اغلب دانشگاههای معتبر جهان تدریس می‏شود و دانشجویان زیادی در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به فراگیری آن مشغولند.

اما به رغم کوششهای به عمل آمده،هنوز سیستم واحد و مشخصی برای تدریس زبان فارسی‏ به غیر فارسی زبان،تدوین نشده است.و این،نیاز به تأمل و دقت نظر مسؤولین فرهنگی کشور دارد. در«دانشگاه بوداپست»مجارستان،فرصتی پیش‏ آمد تا در گفتگو با خانم دکتر اوجرای میاس از موقعیت زبان فارسی در این کشور مطلع شویم. ایشان-که بخوبی به زبان فارسی صحبت می‏کرد- ما را در اتاق خود پذیرفت و ما احساس کردیم که‏ در یک کتابخانهء ایرانی هستیم.در این کتابخانهء کوچک اغلب دیوان‏های شعرای بزرگ،و آثار نویسندگان قدیم و جدید ایران به چشم می‏خورد. با این وصف دکتر میاس از عدم ارسال بموقع‏ کتابهای جدید گلایه داشت.با سپاس از آقایان‏ لرستانی و کلانتری که امکان این گفتگو را فراهم‏ کردند،ادامهء گفتگو از نظرتان می‏گذرد:

کیهان فرهنگی:لطفا دربارهء میزان‏ تحصیلات،آثار و زندگی‏تان توضیح بدهید و بگویید که چگونه زبان فارسی را آموختید؟

دکتر جری میاس:دانشگاه بوداپست،نخستین‏ دانشگاه در مجارستان است که در آن،ایران شناسی‏ تدریس می‏شود و تقریبا صد سال است که در این‏ دانشگاه زبان فارسی پیشینه دارد.من فارغ التحصیل‏ رشتهء دکتری زبان‏شناسی و تاریخ هستم،که ده سال‏ پیش از این،رئیس بخش ایران شناسی شدم. در گذشته،بیشتر تکیه بر زبان شناسی بود،اما وقتی که‏ رئیس این گروه شدم بیشتر به تاریخ ایران و کشورهای‏ آسیایی روی آوردم.تخصص من در زبان شناسی است‏ اما الآن دانشجویان بیشتر گرایش به تاریخ و انسان‏ شناسی و جامعه‏شناسی دارند و از این رو،ما سعی‏ می‏کنیم که برنامه‏های تدریس ایران شناسی را کمی‏ دگرگون کنیم؛و تصمیم گرفته‏ایم که بیشتر به تاریخ‏ امروز و جامعه شناسی پرداخته شود.خودم زبان‏ شناسی،ادبیات،و ادبیات کلاسیک فارسی تدریس‏ می‏کنم.متن‏های پهلوی و کلاسیک را می‏خوانم،دو همکار دارم که یکی از آنها خانم نعمت داری هستند- که زبان مادری ایشان فارسی است-من فقط دو سال‏ پیش،برای اولین بار،به ایران رفتم و سعی کردم زبان‏ محاوره یاد بگیرم.زیاد خوب حرف نمی‏زنم،چون این‏ رشتهء من نیست.رشتهء من دستور ادبیات کلاسیک و فارسی میانه است،اما من خودم سعی کردم زبان‏ محاوره را هم یاد بگیرم.چون به نظر من بی‏آنکه زبان‏ محاوره یاد گرفته شود،(بویژه برای کسی که در این‏ زمینه کار می‏کند)تحقیق مطالب دیگر مشکلات زیادی‏ دارد.

خیلی کتابها در ایران منتشر شده که اگر ما این‏ کتابها را خوب نتوانیم بفهمیم،عقب می‏مانیم.

از این رو،کتابهای زیادی برای دانشجویان خریداری‏ شده است.به شما گفتم که،دو سال پیش مستقر شدیم و ما دانشجویانی داریم که از جاهای گوناگون به‏ اینجا می‏آیند.برای ما مهم این است که آنان این رشته‏ را انتخاب می‏کنند.ایران‏شناسی که رشتهء اصلی برای‏ آنهاست شامل یک دورهء پنج ساله با یک برنامه است که‏ از متوسطه و عالی شروع می‏شود،و دانشجویان به‏ کمک بورسیه‏های گوناگون تحصیل می‏کنند.اما دانشجویانی که در رشته‏های گوناگون شرق شناسی- رشتهء ترک شناسی مغولیستی،رشتهء زبان شناسی‏ تاریخی تطبیقی-تحصیل می‏کنند فقط برای آموختن زبان فارسی می‏آیند.

من برای دانشجویان رشته‏های مختلف‏ تاریخ و زبان شناسی تاریخی و تطبیقی تدریس می‏کنم. مقاله‏های گوناگون در زمینهء زبان شناسی ادبیات‏ فارسی نیز،هم در مجارستان و هم در ایران و کشورهای‏ دیگر منتشر کرده‏ام.

دربارهء«دو زبان گویی»در زبان فارسی،مقاله‏ای‏ نوشته‏ام و علاقهء خیلی زیادی به این موضوع دارم. دربارهء شیوه‏های گوناگون در زبان امروز و شیوه‏های‏ کلاسیکی و محاوره نیز کار کرده‏ام.

وقتی جوان بودم،خیلی به شیوهء چامسکی علاقه‏ داشتم،اما الان بیشتر،علاقه‏مند به تاریخ دستور زبان‏ فارسی هستم.هفتهء آینده می‏روم به«کمبریج»و دربارهء کهن‏ترین دستور فارسی سخنرانی می‏کنم.در بارهء اینکه بخشهای گوناگون متن یاد شده،از چه‏ منابعی اخذ شده است.

دستور زبان فارسی‏ای که می‏خواهم آن را تشریح کنم‏ برگرفته از یک متن چاپ سنگی است که توسط یک‏ ایرانی تهیه شده است.

من عاشق سرزمین خراسانم،و خراسان را بیشتر می‏پسندم.به علت اینکه،به طور کلی خیلی سرسبز است.کوهستانها را خیلی دوست دارم.و از لحاظ فرهنگی نیز می‏دانیم که انسانهای بزرگی از آنجا برخاسته‏اند.از نشریه دانشگاه مشهد،متأسفانه‏ در اینجا فقط چند نسخه دارم،ولی وقتی آنجا بودم،هر روز می‏رفتم به کتابخانه مرکزی دانشگاه‏ مشهد و اولین نوشته‏ای که مطالعه می‏کردم،نشریه‏ دانشگاه مشهد بود،چون بخش زبان شناسی آنجا خیلی وسیع است.در آنجا دربارهء متنها و تفسیرهای‏ کهن زیاد کار می‏شود.

ما در زمینهء تهیهء کتابهای فارسی مشکل داریم.ده، پانزده سال پیش خیلی تلاش کردم چند کتاب تهیه‏ کنم(برخی کتابها که در مشهد منتشر شده است) بهترین کتابها در زمینهء منطق عربی است.

کیهان فرهنگی:دربارهء موقعیت زبان‏ فارسی در اینجا بگویید.در حال حاضر چند دانشجو در دانشگاه بوداپست‏ تحصیل می‏کنند؟

دکتر جری میاس:مشکل است!چون دانشجویان‏ بسیار علاقه دارند اما پس از تمام کردن دانشگاه بیکار هستند،و من باید خیلی تلاش کنم،تا کاری برای آنها پیدا شود.

برای نمونه،یکی از دانشجویان را-که درسش تمام‏ شده بود-به مؤسسه روابط فرهنگی فرستادم.

نمی‏دانم شما با خانم الیزابت روجا،آشنا هستید؟او دانشجوی من بود.همکار دیگر من،پسر جوانی‏ است که تخصصش در تاریخ صفوی و آسیای میانه‏ است.ترکی و تاجیکی هم بلد است،اما متأسفانه الان‏ دو سال است که منتظر هستیم مؤسسه‏ای برای‏ پذیرفتنش اظهار تمایل کند.چون او جوان است‏ باید به ایران برود و در دورهء فوق لیسانس و دکترا درس‏ بخواند.خیلی دلم می‏خواهد ایشان به ایران فرستاده‏ شود.

کیهان فرهنگی:زبان فارسی را در اینجا چگونه فراگرفتید؟

دکتر جری میاس:من دو استاد داشتم که یکی از آنها تخصصش در زبان‏شناسی،ترک شناسی و ایران‏ شناسی بود.پیش از جنگ بین المللی،این رشته‏ها جدا نبود و با هم خوانده می‏شد.سپس گروه زبان‏ شناسی پدید آمد.از این رو ما بیشتر تخصصمان در زبان شناسی است.اما الان ممکن است تخصص‏ دانشجویان،در تاریخ یا جامعه شناسی باشد.در دورهء فوق لیسانس،ما از استادها دعوت می‏کنیم تا برای‏ تدریس به مجارستان بیایند.ما روابط خوبی با دانشگاههای گوناگون،هم در مجارستان و هم در جاهای دیگر داریم،می‏توانیم بورسیه بفرستیم.برای‏ اولین بار من می‏خواهم دانشجویان را به ایران بفرستم. البته در اینجا همکارانی دارم مانند خانم نعمت‏ داری که در موزهء ایران‏شناسی کار می‏کند و مدرکش‏ در زمینهء ایران شناسی است و دیگر همکار جوانمان‏ آقای نیکرایی که دورهء فوق لیسانس را سال گذشته‏ تمام کرده و اینجا به عنوان دانشیار کار می‏کند.

کیهان فرهنگی:دانشجویان زبان‏ فارسی مجارستان چه تعدادی هستند و آیا در یادگیری زبان فارسی با مشکلی‏ روبه‏رو نیستند و پیشرفت شما قابل‏ ملاحظه هست؟

دکتر جری میاس:کسانی که رشتهء ایران شناسی را انتخاب کرده‏اند شش،هفت نفر هستند در چهار دوره‏ گذشته از این ده نفر داریم که فقط برای آموختن‏ زبان فارسی به این جا می‏آیند.

درباره یادگیری زبان فارسی باید گفت در دورهء ابتدایی خیلی مشکل نیست،ولی بعدا که زبان عربی‏ لازم می‏شود مشکل شروع می‏شود. دانشجویانی که ایران شناسی را انتخاب می‏کنند مجبورند که چهار ترم زبان فارسی هم یاد بگیرند.

کیهان فرهنگی:شما زبان فارسی را با دستور زبان فارسی آغاز می‏کنید یا محاوره؟

دکتر جری میاس:با هر دو،چون من خودم در دورهء ابتدایی«دستور»درس می‏دهم،از کلاسیک تا امروز؛و خانم نعمت‏داری زبان محاوره را تدریس می‏کنند که‏ البته ایشان سالهاست،مقیم این جا هستند.

کیهان فرهنگی:برخی عقیده دارند که‏ دستور و محاوره نیز،باید همزمان یاد داده شود و برخی فقط محاوره را لازم می‏دانند؛ایا این اشکال‏ برای یادگیری زبان فارسی در این جا نیز وجود دارد؟

دکتر جری میاس:بله.وقتی دانشجو بودم با دستور آغاز می‏کردیم و من خودم دیدم که این گونه مشکل‏تر است،از این رو،روشی در پیش گرفتیم که زبان محاوره‏ و دستور را با هم آغاز کنند،که همزمان با هم‏ دانشجویان می‏توانند بخوانند و بنویسند و تلفظ صحیح‏ آن را نیز،یاد بگیرند.ما این جا تفاوت میان زبان‏ کلاسیک و محاوره را نیز تدریس می‏کنیم.

کیهان فرهنگی:شما که در زمینهء متون‏ کهن کار کرده‏اید،از متون کلاسیک ایران‏ -بویژه در زمینهء شعر-کدام یک را بیشتر می‏پسندید؟

دکتر جری میاس:ما با فردوسی شروع می‏کنیم و بعد حافظ و سعدی را تدریس می‏کنیم و دانشجویان‏ ما باید«گلستان»و«بوستان»را کاملا بخوانند-که همه‏ را به زبان فارسی می‏خوانند-البته از روی نسخهء فروغی و آقای غلامحسین یوسفی.و ما در اینجا متن‏های«شاهنامه»را نیز داریم که من بیشتر فردوسی را می‏پسندم و در مورد حافظ باید گفت که به‏ نظرم،مشکل‏تر از دیگران است،چون در شعرهای‏ حافظ باید فلسفه،عرفان و تصوف را هم فهمید. «مثنوی»هم این گونه است.حتی در دورهء چهارم و پنجم متن‏های بومی هم می‏خوانیم.ناصر خسرو نیز، برای دانشجویان لازم است.

یکی از همکاران که تخصصشان در تاریخ صفوی‏ است او هم متنهایی از این دوره را تدریس می‏کند. متأسفانه برای این واحدها،معلم ویژه‏ای نداریم.همهء آن را خودمان تدریس می‏کنیم.برای خواندن نسخه‏ها باید با خوشنویسی آشنا بود.

امیدواریم که استادانی از ایران به این‏جا بیایند که‏ رشته‏هایی مانند ادبیات و خوشنویسی تدریس کنند، چرا که مسلما ایشان بهتر می‏توانند مطالب را تفهیم‏ کنند.

من رئیس دپارتمان زبان فارسی و عضو شورای عالی‏ دانشگاه هستم از این رو،می‏توانم ابراز نظر کنم،اما الان وضعیت در دانشگاه خیلی مشکل است.من باید فرصت و امکانات داشته باشم تا به ریاست دانشگاه‏ پیشنهاد کنم که می‏خواهیم از استادان دعوت کنیم. من باید بدانم چه کسی،تا چه مدت،می‏تواند این جا بماند،که بتوانیم به تبادل استاد بپردازیم.

در زمینهء زبان شناسی ما با مردم ایران روابط خیلی‏ قدیمی داریم.پیش از آنکه مردم مجارستان به محل‏ امروز بیایند در بخش آسیای میانه زندگی می‏کردند -حدود پانصد،ششصد سال-و روابطی با قبیله‏های‏ ایرانی داشتند.پس از حملهء مغول به مجارستان در قرن‏ 13 و پیش از حمله کردن به ایران،یک قبیله ایرانی‏ از دست مغولها گریخته و به این جا پناه آورد ما بیشتر کلمات ایرانی را از ترکها گرفتیم برای نمونه‏ «بازار»در زبان مجاری می‏شد«باسار».یا«جمعه»و یک شنبه که تعطیل است.در حدود یکصد کلمه از ترکی گرفتیم.و از فارسی(ایرانی)بین بیست،سی‏ کلمه-مثلا نام زن-می‏گویند که این کلمه عام یکی‏ از قبیله‏های ایران بود در دوره هخامنشی.با «هیدپل»به معنای پل.

کیهان فرهنگی:در کشورهای آسیای‏ میانه،بخصوص تاجیکستان زبان فارسی‏ در حال رشد است.آنها خیلی‏ علاقه‏مند هستند که زبان فارسی را تقویت کنند.شما فکر می‏کنید از چه‏ راهی می‏شود ضمن تقویت و غنای زبان‏ فارسی به گسترش آن نیز دامن زد؟

دکتر جری میاس:من در این جا زبان تاجیک هم‏ تدریس می‏کنم.چون لهجهء خیلی گیرا،و قویترین زبان‏ امروزی است.البته هنوز زبان محاوره ایران را در آنجا تدریس می‏کنند.من به همراه همسرم یک سال در لینگراد و در مؤسسهء شرق شناسی آن جا بودم و سعی‏ کردم از تاجیکها زبان بیاموزم.اما برای من روشن شد که تاجیک به این معنی وجود ندارد.چون همه با لهجهء مختلف حرف می‏زدند و تاجیک زبان مشترک آنها بود.

کیهان فرهنگی:در محاوره چند واژه‏ تاجیک است.برای نمونه«گپ زدن»به‏ معنای صحبت کردن و یا ایشتاوی به‏ معنی«حالت چطوره»؟

دکتر جری میاس«ایشتاو»یک کلمهء ازبک است که‏ در تاجیک وارد شده.من آن‏جا خیلی تلاش کردم که‏ روزنامه بخوانم،اما نثر روزنامه روسی بود و ساختمان‏ (جمله نویسی)بد بود.کسانی که در این اداره‏ کار می‏کردند بیشتر روسی بودند و تاجیکی آنها خیلی‏ بد بود این زبان،زبانی مخلوط بود از این رو،من هم کار کردن با زبان تاجیک را ترک کردم.

کیهان فرهنگی:الان شما زبان‏ تاجیکی را به عنوان زبان فارسی‏ تدریس می‏کنید؟

دکتر جری میاس:بله دربارهء روابطی که بین دو زبان‏ وجود دارد و اینکه فرق این دو زبان از نظر دستوری و تاریخ دستور چیست،تدریس می‏کنم.

کیهان فرهنگی:شما نقاط قوت و منفی زبان فارسی را در چه می‏بینید؟

دکتر جری میاس:به نظرم بیشتر کلمات عربی دارد. من وقتی به ایران رفتم سعی کردم فارسی را از روزنامه‏ یاد بگیرم.اما برایم غیرممکن بود چون لغات عربی‏ زیادی در آن دیدم.

کیهان فرهنگی:آیا زبان فارسی به‏ عنوان یک زبان پویا و قابل گسترش در دیگر کشورها مطرح است؟

دکتر جری میاس:به نظر من زبان فارسی بیشتر دارای یک نقش معنی‏دار است.زیرا شما بهتر می‏دانید که در هندوستان هم زبان محاوره و هم زبان ادبیات، فارسی بود.اکنون که من مشغول تدریس دستورهای‏ کهن فارسی هستم می‏بینم که این دستورها بیشتر از ایران در هندوستان و ترکستان منتشر شده و این نشان‏ می‏دهد که زبان فارسی در زمانهای گذشته خیلی‏ بیشتر از حال گسترش داشته است.و البته نه از نظر تنوع کلمات بلکه بخاطر تمدن پیشرفتهء ایرانی و وسعت‏ آن.

البته گسترش زبان فارسی با وضعیت کنونی مسألهء مشکلی است.در تاجیکستان برای تاجیکها زبان‏ فارسی خیلی مهم است.اما خودشان در مدرسه،اصلا زبان فارسی نمی‏خوانند و فقط در دانشگاه مطالعه‏ می‏کنند.به نظر من آنها چون از تاریخ خود دور افتاده‏اند باید اول از مدرسه،فارسی را یاد بگیرند؛یعنی‏ اینکه به گونه‏ای گسترده،یادگیری زبان فارسی را جدی بگیرند.اما خط عربی فرق می‏کند و این تفاوت، دو زبان و دو لهجه را از هم جدا می‏کند.

کیهان فرهنگی:در ایران هم‏ یادگیری زبان فارسی در دو حوزه انجام‏ می‏گیرد،یک عده فقط برای نوشتن‏ و خواندن زبان فارسی را یاد می‏گیرند. یک عده برای تحقیق و کار آکادمیک. البته در ایران در زمینهء نسخه‏های خطی‏ بویژه در دههء اخیر پس از انقلاب خیلی‏ کار شده است.

دکتر جری میاس:برای خودم بسیار پیش آمده که‏ دستورهای کهن زبان فارسی را از آن‏جا خریداری کنم. من همیشه دنبال این تفسیرها بودم.آیا شما می‏دانید که با کشف چند نسخه خطی از قرن یازده،دوازده‏ شیوه آن دوره را مشخص کردند،چون سبک نسخی که‏ از آن دوره به دست آمده است امروز رواج ندارد یا متداول نیست،و این برای ما زبان شناسان خیلی مفید واقع می‏شود.من سال گذشته تلاش کردم درباره این‏ مطلب سخنرانی کنم.در آن وقت یعنی هشتصد سال‏ پیش،شیوه‏های گوناگون در زبان وجود داشت.شیوهء محاوره،شیوهء کلاسیک و تفسیرها از نظر هم فرق‏ می‏کنند.

بعضی از آنها به زبان محاوره نزدیک است و برخی‏ شیوه‏ای عالی و کلاسیک دارند نمی‏دانم شما در مورد این تفسیر شنیده‏اید یا نه؟چون صفحهء اول آن وجود ندارد و نمی‏دانم عنوانش چه بود؟یکی از کهن‏ترین‏ متون لهجه‏اش خیلی نزدیک به لهجهء خراسانی است و من دربارهء این تفسیر سخنرانی می‏کنم که از نظر دستوری چه گونه است و از نظر استفادهء ضمیر مثلا، تفسیرهای قرآن مجید،طبری و...خیلی تحسین- کننده است

کیهان فرهنگی:شما هیچ وقت زبان‏ فارسی را با مجاری مقایسه کرده‏اید؟

دکتر جری میاس:نه،ممکن است که من وقتی‏ بازنشسته شدم گزارشی درباره آن بنویسم ولی الان‏ وظایف زیادی دارم.این یک مسألهء خیلی مشکل است‏ چون شما باید خیلی به فن عبریستی آشنا باشید.به‏ تاریخ زبان مجاری و زبانهای گوناگون که به این گروه‏ نزدیک است.

می‏دانیم که زبان فارسی شبیه زبان هند و اروپایی‏ است و واژه‏هایش از آن گرفته شده است.و اما زبان‏ مجاری شبیه به زبان ترکهاست.از نظر ساختمان با ساختمان زبانهای هند و اروپایی خیلی فرق می‏کند. فارسی خیلی از نظر ساختمان شبیه به انگلیسی است. من وقتی مقایسه می‏کنم،می‏بینم‏ خیلی شبیه به هم است.برای نمونه در زمان‏ هخامنشی فارسی میانه خیلی اف و ایکس زیاد داشته‏ مثل لاتین و یونانی.اما بعدا این ساختمان ترک شده و امروز از پیشوند و پسوند استفاده می‏کنند.مانند حروف اضافه.برای نمونه من می‏روم به تهران: I og ot .narhcT اگر شما عربی بدانید و مقایسه کنید همین‏ جمله را می‏بینید که ساختمانش کاملا فرق می‏کند.

کیهان فرهنگی:شما آیا به زبان فارسی‏ کتابی ترجمه کرده‏اید؟

دکتر جری میاس:چند داستان کوچک ترجمه کرده‏ام‏ به زبان تاجیک.از جلال آل احمد و...

یک کتاب کوچک هم ترجمه کرده‏ام که از تاجیک بود به نام«افسانه خلق تاجیک».